

تحليل حقوقی

ایران – مواد الحاقی به قانون مجازات اسلامی ابزار جدید برای سرکوب بیشتر حقوق آزادی بیان، دین و عقیده

۶ ژوئیه ۲۰۲۲ – ۱۵ تیر ۱۴۰۱

آرتیکل ۱۹

تلفن: ۰۰۴۴۲۰۷۳۲۴۲۵۰۰

فاکس: ۰۰۴۴۲۰۷۴۹۰۰۵۶۶

ایمیل: info@article19.org

وبسایت: www.article19.org

توییتر: @article19org

فیسبوک: facebook.com/article19org

© ARTICLE 19, 2022

در مورد اجازه‌نامه‌ی مشترکات خلاقانه: این سند تحت مجوز مشترکات خلاقانه اختیار - غیرتجاری - اشتراک همانند ۲.۵ منتشر شده است. اشتراک گذاری، نسخه‌برداری و توزیع این سند و استفاده از داده‌های آن در متون دیگر آزاد ولی مشروط است به:

- ۱) سازمان آرتیکل ۱۹ را به عنوان تهیه کننده و ناشر سند اصلی معرفی کنید؛
- ۲) از این سند با محتوای آن برای اهداف تجاری استفاده نکنید؛
- ۳) نوشته یا گزارش مبتنی بر این سند را تحت مجوز مشابه منتشر کنید.

برای دسترسی به متن حقوقی مجوز لطفاً به پیوند زیر مراجعه کنید:

<https://creativecommons.org/licenses/by-sa/3.0/legalcode>

فهرست

4	خلاصه
6	مقدمه
8	قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری
8	محدودیت‌های مجاز بر حق آزادی بیان
9	محدودیت‌های مشروع بر حق آزادی دین و عقیده
11	اهانت به ادیان
12	تمایز میان ترغیب به نفرت‌ورزی و توهین مذهبی
13	تجزیه و تحلیل اصلاحات الحاقی
13	شرح ماده ۴۹۹ مکرر
14	تطابق با اصل قانونی بودن
14	هدف مشترک
15	تطابق با اصل ضرورت و تناسب
16	محافظت ادعایی از گروه‌های اقلیت در برابر تحریک
19	تحلیل ماده ۵۰۰ مکرر
20	توصیه‌ها

خلاصه

در تحلیل حقوقی پیش رو، سازمان آرتیکل ۱۹ میزان انطباق دو ماده الحاقی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در خصوص «اهانته به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی» را با استانداردهای بین‌المللی ناظر بر آزادی بیان و آزادی دین و عقیده بررسی می‌کند.

دو «ماده مکرر» که «توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی، و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی» را جرم‌انگاری می‌کنند به همراه پنج تبصره جدید، در بهمن ماه ۱۳۹۹ به قانون مجازات اسلامی افزوده شدند. این اصلاحات از لحاظ موضوعی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

ماده ۴۹۹ مکرر، مجازات‌های سنگینی را برای هر کس که با نیت ایجاد «خشونت یا تنش» در جامعه یا با علم به این که رفتار او موجب «خشونت یا تنش» خواهد شد، به ادیان قانونی، مذاهب اسلامی و قومیت‌های ایرانی «توهین» کند، در نظر می‌گیرد.

ماده ۵۰۰ مکرر در عمل پیروی از و تبلیغ آیین‌ها و نظام‌های اعتقادی را که خارج از ادیان و مذاهب قانونی مصرح در قانون اساسی ایران قرار می‌گیرند و همچنین عقاید مخالف در چارچوب ادیان قانونی را جرم‌انگاری می‌کند.

سازمان آرتیکل ۱۹ سه مشکل اساسی این مواد را منعکس و تحلیل کرده است.

نخست، این مواد محدودیت‌های گسترده‌ای که از حدود مجاز تحت حقوق بین‌الملل فراتر می‌رود را بر آزادی بیان وضع می‌کنند. این محدودیت‌ها در راستای تلاش برای حفاظت از ادیان و عقاید - که از حمایت حقوق بین‌الملل بهره نمی‌برند - در برابر انتقاد و توهین در نظر گرفته شده‌اند. ماده ۴۹۹ مکرر در عمل بسیاری از اشکال بیان را که در چارچوب قوانین بین‌المللی محافظت می‌شوند، جرم‌انگاری می‌کند.

دوم، و در نقض قوانین بین‌المللی، این مواد محدودیت‌های گسترده و مبهمی بر حق آزادی دین و عقیده وضع می‌کنند.

سوم، این مواد با اجماع جهانی رو به رشد در میان کشورها و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل در تناقض قرار دارند. بر مبنای این اجماع، ممنوعیت توهین به مذاهب و حمایت از ادیان و عقاید از اهانت و انتقاد نه تنها با ضمانت‌های آزادی بیان مغایرت دارد بلکه غیرسازنده و مستعد سوءاستفاده علیه اقلیت‌های دینی و اقلیتی است که چنین قوانینی اغلب مدعی حمایت از آنان هستند.

سازمان آرتیکل ۱۹ باور دارد که مواد مذکور، تهدیدی جدی برای حقوق آزادی بیان و آزادی مذهب و عقیده در ایران محسوب می‌شوند و محدودیت‌های هرچه بیشتری برای صداهای متفاوت و مخالف که از پیش نیز با محدودیت و سرکوب مواجه بوده‌اند، به همراه می‌آورند. همچنین انتظار می‌رود که این مواد، افراد متعلق به اقلیت‌های اقلیتی، دینی و مذهبی را، که طی دهه‌های گذشته با تبعیض و آزار و اذیت نظام‌مند حکومتی روبرو بوده‌اند در خطر مضاعف سرکوب و تعقیب قرار دهند در عین حال از آن‌ها در مقابل گفتار و اعمال محرک نفرت و تبعیض محافظت نمی‌کنند.

سازمان آرتیکل ۱۹ از قانون‌گذاران ایران می‌خواهد که بلافاصله مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر را لغو کرده و فوراً نسبت به اصلاح چارچوب قانونی موجود به منظور حصول اطمینان از تضمین کامل حقوق آزادی بیان، مذهب و عقیده، مطابق با قوانین و استانداردهای بین‌المللی، اقدام کنند.

مقدمه

در بهمن ماه ۱۳۹۹، ایران دو ماده الحاقی را در راستای جرم‌انگاری توهین به «ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی» و «قومیت‌های ایرانی» به قانون مجازات اسلامی افزود. این مواد الحاقی ابتدا در سال ۱۳۹۷ از سوی مجلس و از طریق طرح «الحاق موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی» معرفی شده بود. طرح مذکور در ۳ دی ۱۳۹۷ به امضای ۸۲ عضو مجلس رسید و به رییس مجلس ارسال شد اما در آن زمان مراحل قانون‌گذاری را طی نکرد.

در سال ۱۳۹۹، روند قانونی برای تصویب این طرح سرعت یافته و نهایتاً، در ۲ بهمن ۱۳۹۹، مواد مذکور توسط مجلس ایران تصویب شده و سپس در ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ از سوی شورای نگهبان، نهاد ناظر بر تطابق قوانین با قانون اساسی و شرع اسلام، تایید شد. مواد قانونی مصوب، در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۹ رسماً توسط رئیس جمهور وقت حسن روحانی امضا و متعاقباً در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۹ در «روزنامه رسمی»، روزنامه وابسته به قوه قضاییه که قوانین جدید را منتشر می‌کند، منتشر و ۱۵ روز بعد اجرایی شد.

سازمان آرتیکل ۱۹ قوانین الحاقی را پیش از تصویب را نقد کرده و هشدار داده بود که تصویب آن‌ها، سرآغاز دوران جدیدی از حملات به حقوق آزادی بیان، دین و عقیده در ایران خواهد بود^۱ و منجر به زوال بیش از پیش وضعیت افراد متعلق به اقلیت‌های اتمیکی و دینی که در دهه‌های گذشته نیز در معرض تبعیض و آزار و اذیت و سرکوب نظام‌مند قرار داشته‌اند، خواهد شد.^۲

دو «ماده مکرر»^۳ که به همراه پنج تبصره جدید، در بهمن ماه ۱۳۹۹ به قانون مجازات اسلامی افزوده شدند از لحاظ موضوعی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

- ماده ۴۹۹ مکرر، مجازات‌های سنگینی را برای هرکس که با نیت ایجاد «خشونت یا تنش» در جامعه یا با علم به این که رفتارش موجب «خشونت یا تنش» خواهد شد، به «قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و مذاهب اسلامی» مصرح در قانون اساسی «توهین» کند، در نظر می‌گیرد.
- ماده ۵۰۰ مکرر، در عمل پیروی از و تبلیغ آیین‌ها و نظام‌های اعتقادی را که خارج از ادیان و مذاهب قانونی مصرح در قانون اساسی ایران قرار می‌گیرند و همچنین عقاید مخالف در چارچوب ادیان قانونی را جرم‌انگاری می‌کند.

هر دوی این مواد الحاقی، محدودیت‌های از پیش موجود بر حق آزادی بیان و آزادی دین و عقیده در قوانین ایران، به‌ویژه قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی را تشدید می‌کنند. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسلام به عنوان دین رسمی ایران اعلام شده است و تنها سه دین دیگر - یهودیت، مسیحیت و دین زرتشت - به رسمیت شناخته شده‌اند. این امر در عمل موجب محرومیت اعضای جوامع دینی و اعتقادی غیر مصرح در قانون اساسی از حمایت‌های قانونی کافی شده است.

علاوه بر این، قانون اساسی ایران بر اساس بندهای موسع و مبهمی نظیر «مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی» بودن^۴ محدودیت‌هایی ناروا بر حق آزادی بیان اعمال می‌کند. همچنین قانون مجازات اسلامی شامل مواد قانونی متعددی است که محدودیت‌هایی غیرمشروع بر حق آزادی بیان وضع می‌کند و در عمل ابراز مخالفت را جرم می‌انگارد. برای مثال می‌توان به قوانین مربوط به جرم‌انگاری «توهین به پیامبر اسلام»^۵، «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام»^۶ (قابل مجازات با مرگ)، «اهانت به مقدسات اسلام»^۷، «توهین به امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی، و/یا مقام معظم رهبری»^۸، «توهین به مقامات دولتی از جمله رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس و رئیس جمهور»^۹، «نظائر علنی به عمل حرام»^{۱۰}، «عدم رعایت حجاب اسلامی»^{۱۱}، «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان

عمومی»¹² و «هجو»¹³ اشاره کرد. این مقررات و سایر قوانین مشابه منجر به موارد بی‌شماری از دستگیری و بازداشت‌های بی‌ضابطه افراد و صدور احکام زندان و شلاق طی دهه‌های گذشته شده‌اند.¹⁴ در فصل‌های پیش رو، سازمان آرتیکل ۱۹ مفاد قوانین مذکور را با استناد به استانداردهای بین‌المللی حاکم در این زمینه با جزئیات بیشتر بررسی می‌کند. با این که این گزارش متمرکز بر متن این مواد است و میزان انطباق آن‌ها را با قوانین و استانداردهای بین‌المللی مورد سنجش قرار می‌دهد، پژوهش‌های گذشته سازمان آرتیکل ۱۹ درباره موارد نقض حقوق بشر در ایران، به‌ویژه در رابطه با حقوق آزادی بیان، دین و عقیده در ارایه این تحلیل موثر بوده است.

قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری

حق آزادی بیان بر اساس ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (اعلامیه جهانی) و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۱۵} که ایران از کشورهای عضو آن است، تضمین و محافظت می‌شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین محافظت از حقوق آزادی اندیشه، وجدان، دین یا عقیده (ماده ۱۸) و برابری در مقابل قانون و منع تبعیض (مواد ۲، ۲۶ و ۲۷) را فراهم می‌کند.

ایران متعهد به اجرای مفاد این میثاق شده است و وظیفه دارد که کاملاً به تعهدات منتج از آن عمل کند. مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران، «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». به ویژه، ایران موظف است قواعدی وضع کند که قوانین داخلی را با تعهدات بین‌المللی حقوق بشری، از جمله تحت میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطابقت داده و به مفاد آن قدرت اجرایی داخلی بدهد.^{۱۶}

لازم به تاکید است که بر اساس ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق آزادی بیان نه تنها بر اطلاعات و ایده‌های عموماً مفید یا آنچه صحیح تلقی می‌شود، بلکه در رابطه با هر گونه اطلاعات یا عقیده‌ای قابل انتقال، اعمال می‌گردد.^{۱۷} کمیته حقوق بشر سازمان ملل (نهاد معاهده‌ای سازمان ملل متحد که بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مسئول نظارت بر اجرای مفاد این میثاق است) به طور خاص تاکید کرده است که ماده ۱۹ میثاق، «اخبار و اطلاعات در رابطه با بیان تجاری و تبلیغات، آثار هنری و غیره» را نیز شامل می‌شود و بنابراین این حق «نباید به ابزار بیان سیاسی، فرهنگی یا هنری محدود گردد». علاوه بر این، حق آزادی بیان به مطالب بحث‌برانگیز، غیر صحیح، یا حتی تکان‌دهنده نیز تسری پیدا می‌کند. صرف این که عقیده‌ای مورد پسند واقع نشود و یا نادرست تصور گردد، نمی‌تواند توجیه‌کننده جلوگیری افراد از بیان آن باشد.

محدودیت‌های مجاز بر حق آزادی بیان

اگرچه حق آزادی بیان طبق حقوق بین‌الملل امری مطلق محسوب نمی‌شود، اما محدودیت‌های وضع شده بر آن، تنها در موارد نادر و تحت شرایط به‌دقت تعریف‌شده و مشخص مجاز است. بر اساس کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، حق آزادی بیان در هر جامعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و اعمال هرگونه محدودیت بر استفاده از این حق باید از طریق یک آزمون توجیهی دقیق سنجیده شود.^{۱۸} هرگونه محدودیت اعمال شده باید استثنایی و منطبق با یک «آزمون سه بخشی» باشد؛ یعنی باید:

- توسط قانون تجویز شده باشد. این بدان معناست که مقررات مربوطه باید با دقت و وضوح کافی وضع شوند تا افراد قادر باشند رفتار خود را بر اساس آن تنظیم کنند. در نتیجه، اعمال محدودیت‌های مبهم، ناواضح یا بیش از حد گسترده بر حق آزادی بیان غیرقانونی تلقی می‌شود.
- محدودیت‌ها باید هدفی قانونی که بر اساس بند ۳ ماده ۱۹ (الف) و (ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تحت عنوان احترام به حقوق یا نیکنامی دیگران، یا محافظت از امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت عمومی، یا اخلاق ذکر شده است را دنبال کند. شایان اهمیت است که این میثاق اجازه اعمال هیچ‌گونه محدودیت بر استفاده از حق آزادی بیان به منظور حصول اطمینان از احترام به ارزش‌ها، عقاید یا ادیان، و یا محافظت از آن‌ها در برابر توهین یا تمسخر را نمی‌دهد.
- محدودیت‌ها باید در جهت تامین هدفی مشروع ضروری باشد و از «آزمون تناسب» با موفقیت گذر کند. محدودیت‌های مذکور تنها آن گاه ضرورت دارند که نوعی نیاز شدید اجتماعی به آن‌ها وجود

داشته باشد. برای توسل به این محدودیت‌ها باید ارتباطی مستقیم و نزدیک میان بیان و منافعی که باید مورد محافظت قرار گیرد نشان داده شود. اصل تناسب همچنین اقتضا می‌کند که محدودیت اعمال شده بر آزادی بیان، بیش از حد گسترده نبوده و به منظور دستیابی به عملکرد محافظتی، متناسب باشد. همچنین باید نشان داده شود که محدودیت اعمال شده برای دستیابی به نتیجه محافظتی خاص و منحصر به فرد است و بیش از سایر ابزارهایی که قادر به دستیابی به همان نتیجه محدود هستند، در حقوق افراد مداخله نمی‌کند.

افزون بر این، ماده ۲۰ بند ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تصریح می‌کند که دولت‌ها باید هرگونه «تبلیغ برای جنگ» و همچنین «هر نوع ترغیب از تنفر ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت باشد» را ممنوع سازند. اگرچه دولت‌ها طبق قانون موظف به ممنوع ساختن این اشکال بیان هستند، برای حصول اطمینان از جلوگیری از اعمال محدودیت‌های گسترده بر آزادی بیان، این محدودیت‌ها خود باید دارای مرزهای مشخص باشند. در سطح بین‌المللی، برنامه اقدام رباط – که توسط کارشناسان و پس از سلسله مشاوره‌هایی که توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل صورت گرفت، به تصویب رسید – راهنمایی‌هایی را در رابطه با اموری که طبق بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تحریک‌کننده محسوب می‌گردند فراهم می‌کند.¹⁹

محدودیت‌های مشروع بر حق آزادی دین و عقیده

قوانین و استانداردهای بین‌المللی، اعمال هرگونه محدودیت بر حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب و یا اختیار و تغییر دین و عقیده را ممنوع می‌کند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل بر بدون قید و شرط بودن این آزادی‌ها تأکید کرده است.²⁰

ابراز دین و عقیده اما ممکن است - صرفاً در برخی شرایط کاملاً مشخص - مورد اعمال محدودیت‌هایی - مشابه (اما نه یکسان) با محدودیت‌های مجاز در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قرار گیرد. بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان‌های دینی یا عقیدتی مجاز می‌داند. اعمال محدودیت تنها در صورتی مجاز است که این محدودیت‌ها توسط قانون پیش‌بینی شده و برای محافظت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی، یا حقوق اساسی و آزادی دیگران لازم باشند. طبق ماده ۱۸ که توسط کمیته حقوق بشر به تفصیل روشن شده است، «آزادی سرپیچی از اجبار به اختیار یک دین یا عقیده» نمی‌تواند محدود شود. به علاوه، کمیته حقوق بشر تأکید کرده است که بند ۳ ماده ۱۸ باید به شکلی مضیق تفسیر شود. اعمال هرگونه محدودیت به دلایلی خارج از دلایل تصریح شده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مانند امنیت ملی) غیرمجاز است. هرگونه محدودیتی باید مستقیماً مرتبط و متناسب با نیازی باشد که در راستای آن اعمال شده است. مهم‌تر از همه، اعمال محدودیت برای اهداف یا به شیوه‌های تبعیض‌آمیز ممنوع است.²¹

حق آزادی دین و عقیده شامل حق ابراز دین و عقیده به صورت عبادت، رعایت الزامات دینی، عمل به اصول دین و تعلیم - چه به نحو فردی یا جمعی، و چه به صورت عمومی و علنی و یا در فضای خصوصی - می‌شود. به علاوه، کمیته حقوق بشر سازمان ملل تصریح کرده است که حق آزادی دین و عقیده همچنین شامل آزادی آموزش و انتشار مطالب و فعالیت‌های تبلیغی است. این کمیته در تفسیر عمومی شماره ۲۲ خود اظهار می‌کند: «آموزش و عمل به دین یا عقیده شامل اعمالی است که برای انجام امور اساسی گروه‌های مذهبی کلیدی محسوب می‌شوند، ... [از جمله] آزادی برای تأسیس مدارس دینی و آزادی تهیه و پخش متون یا نشریات مذهبی».²²

گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی دین و عقیده تاکید کرده است که اصطلاحات «دین» و «اعتقاد» باید به شکلی گسترده و گوناگون تفسیر شوند و حمایت‌های حقوق بشری محدود به پیروان ادیان و مذاهب و عقاید سنتی با خصائص نهادگونه یا دارای شریعت به سبک ادیان سنتی نمی‌شود. محتوای یک دین یا اعتقاد را باید خود پیروان آن دین تعریف کنند.²³ بر اساس قوانین بین‌المللی، «آزادی از اجبار به داشتن یا پذیرفتن یک دین یا عقیده» را نمی‌توان مورد هیچ‌گونه محدودیت قرار داد.²⁴ دولت‌ها همچنین باید «تدابیر لازم را به منظور ایجاد شرایط مطلوب برای توانمند ساختن افراد متعلق به گروه‌های اقلیت برای بیان ویژگی‌های هویت خویش و توسعه فرهنگ، زبان، دین، آداب و رسوم خود» اتخاذ کنند.²⁵

اهانت به ادیان

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (و همچنین سایر معاهدات حقوق بشری) از حقوق افراد - و در برخی موارد، حقوق گروه‌ها و افراد - محافظت می‌کند، نه از حقوق موجودیت‌های انتزاعی، مانند ارزش‌ها، ادیان، عقاید، ایده‌ها یا نمادها. بند ۳ ماده ۱۹ این میثاق تنها در صورتی اعمال محدودیت در استفاده از حق آزادی بیان را روا می‌دارد که این امر «برای احترام به حقوق و نیکنامی دیگران، برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی، یا از سلامت یا اخلاق عمومی» ضروری باشد، امری که شامل حمایت از ارزش‌ها، عقاید یا ادیان به عنوان یک هدف مشروع نمی‌شود.

افزون بر این، کمیته حقوق بشر مفهوم حفاظت از «ارزش‌ها» را به رسمیت نشناخته است و همچنین از منع «توهین به ادیان» به عنوان دلیل قانونی کافی برای اعمال محدودیت بر استفاده از آزادی بیان حمایت نمی‌کند. در تفسیر عمومی شماره ۳۴ مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمیته حقوق بشر اظهار می‌دارد:

- ممنوعیت عدم احترام به ادیان یا دیگر نظام‌های اعتقادی، از جمله قوانین مربوط به کفرگویی، با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازگار نیست، مگر در شرایط خاص پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۲۰ میثاق.²⁶

این بندها هم منعکس‌کننده رویه پیشین کمیته حقوق بشر به‌شمار می‌روند و هم موضع‌گیری سایر نهادهای حقوق بشری سازمان ملل، به ویژه شورای حقوق بشر این سازمان را تقویت می‌کند.²⁷

سایر نهادهای بین‌المللی حقوق بشری نیز به ناسازگاری حفاظت از نمادها، ادیان و عقاید با قوانین بین‌المللی اشاره کرده‌اند. گزارشگران ویژه سازمان ملل در مورد آزادی عقیده و بیان، آزادی دین و عقیده، نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و نارواداری‌های مربوطه، بارها قوانین منع «توهین به دین» و/یا کفرگویی را محکوم کرده‌اند؛ چرا که این قوانین به منظور آزار و اذیت اقلیت‌های مذهبی و مخالفین مورد اتکا قرار می‌گیرند. به طور مثال:

- گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد ارتقاء و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده (گزارشگر ویژه آزادی بیان) اظهار داشته است که محدودیت‌های حق آزادی بیان «به منظور محافظت از افراد در برابر نقض مستقیم حقوق‌شان» طراحی شده‌اند و نه «برای محافظت از نظام‌های اعتقادی در برابر انتقادات [مطرح شده] از خارج یا داخل».²⁸
- گزارشگران ویژه سازمان ملل در رابطه با آزادی دین و عقیده و نیز انواع مدرن نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و عدم رواداری‌های مربوطه تاکید کرده‌اند که «حق آزادی دین در درجه اول از فرد و تا حدودی از حقوق جمعی جوامع مربوطه محافظت می‌کند، اما نه به خودی خود از ادیان و عقاید».²⁹ گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی مذهب اخیراً تاکید کرده است که «حق آزادی دین یا عقیده شامل حق داشتن یک دین یا عقیده‌ی مصون از انتقاد یا تمسخر نمی‌شود».³⁰

برنامه اقدام رباط ۲۰۱۲ (برنامه رباط)، که در مورد ماهیت تعهدات حقوق بشری بین‌المللی دولت‌ها در زمینه منع حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت است،³¹ همچنین «تأثیر منفی قوانین ضد کفرگویی» را متذکر می‌شود. برنامه رباط نشان می‌دهد که چنین قوانینی با تعهدات بین‌المللی حقوق بشری کشورها ناسازگارند و همچنین به دولت‌ها توصیه می‌کند که قوانین مربوط به توهین

به ادیان را لغو کنند، زیرا چنین قوانینی «تاثیر خفقان‌آوری بر بهره‌مندی از آزادی دین و عقیده و نیز بر امکان گفتگوی سالم و بحث سازنده در مورد دین دارند».³²

اسناد حقوق بشری منطقه‌ای نیز هیچ گونه اعمال محدودیت بر استفاده از حق آزادی بیان را به منظور جلوگیری از انتقاد از ادیان روا نمی‌دارند.³³ شایان اهمیت است که امروزه جنبشی نوظهور با تمرکز بر لغو قوانین مرتبط با کفرگویی و منع توهین به ادیان در جریان است.³⁴ افزون بر این‌ها، دادگاه‌ها در کشورهای متعددی تصمیماتی به منظور تایید این امر که آزادی انتقاد از ادیان دیگر، به عنوان شکلی از بیان مذهبی، توسط اصل آزادی دین و عقیده محافظت می‌شود، اتخاذ کرده‌اند.³⁵

همچنین، «اصول کمدن در زمینه آزادی بیان و برابری ۲۰۰۹»، که توسط سازمان آرتیکل ۱۹ و بر اساس مباحث شکل‌گرفته توسط گروهی از مقامات عالی‌رتبه سازمان ملل و کارشناسان بین‌المللی در مورد آزادی بیان و برابری تهیه شده است، این اصل را برجسته می‌کند که «دولت‌ها نباید انتقادات معطوف به یا بحث درباره ایده‌های خاص، عقاید یا ایدئولوژی‌ها، یا ادیان یا نهادهای مذهبی را ممنوع کنند، مگر این که چنین اظهاراتی محرک تبعیض، خصومت یا خشونت باشند».³⁶

تمایز میان ترغیب به نفرت‌ورزی و توهین مذهبی

کمیتة حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴ خود اظهار داشته است که قوانینی که بی‌احترامی به یک دین یا نظام اعتقادی را ممنوع می‌کنند - از جمله قوانین درباره کفرگویی، اهانت به ادیان، توهین‌های مذهبی و جرایم دینی - با قوانین بین‌المللی حقوق بشری سازگاری ندارند؛ مگر این که:

- به‌راستی دربردارنده منع تحریک به اعمال تبعیض، خصومت یا خشونت باشند؛
- از استانداردهای بند ۳ ماده ۱۹ و سایر مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از جمله مقررات ناظر بر عدم تبعیض، پیروی کنند.³⁷

مرزهای میان توهین مذهبی و تحریک به نفرت‌ورزی ممکن است گاهی به‌دشواری قابل شناسایی باشد یا به راحتی «تار و مبهم» شود.³⁸ با این حال، برنامه رباط روشن می‌سازد که مفهوم «تحریک» طبق بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور خاص هدف خاص سخنران (سخن در اینجا دربردارنده تمام اشکال بیان است) برای ترغیب به اقدامات تبعیض یا خشونت‌آمیز علیه افرادی را که به دلیل دین یا عقایدشان هدف قرار گرفته‌اند، و همچنین احتمال به وقوع پیوستن آسیب و قریب‌الوقوع بودن آن را در هر موقعیت خاص در نظر می‌گیرد. بنابراین احساسات شخصی افرادی که از بیان رنجیده یا مورد توهین واقع شده‌اند مرتبط با عناصر اصلی عمل تحریک نیست. این مسئله به این جهت است که تمرکز در اینجا بر جلوگیری از اقدامات مضر خاصی است که ممکن است توسط گفتار تحریک شود و همچنین بر مقصر بودن سخنران در شکل‌گیری این نتایج. بنابراین، هدف و موقعیت سخنران - و به ویژه توانایی او در تأثیرگذاری بر مخاطبان برای اخذ اقدامات مضر - بیشترین اهمیت را دارد.

علاوه بر این، برنامه رباط تصریح می‌کند که طبق بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، واکنش‌های دولتی باید متناسب با این گونه اشکال تحریک و تشویق باشد. این یعنی اقدامات محدودکننده آزادی بیان فقط باید به‌عنوان آخرین چاره در نظر گرفته شوند و در ابتدا از روش‌هایی که اعمال محدودیت نمی‌کنند استفاده شود. از آنجا که بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کشورها را ملزم به ممنوع

کردن تحریک و نه جرم‌انگاری آن می‌کند، دولت‌ها باید مجموعه‌ای از مقررات، از جمله قوانین مدنی، اداری و سایر مقررات را برای پاسخگویی به آن اعمال کنند. اعمال مجازات‌های کیفری باید تنها به شدیدترین اشکال تحریک محدود شوند. این یعنی چنین مجازات‌هایی «باید به عنوان آخرین راه چاره که تنها در شرایط کاملاً قابل توجیه، یعنی آن گاه که هیچ روش دیگری برای تضمین حمایت کافی حقوق فردی در راستای منافع عمومی یافت نمی‌شود، اعمال شوند».³⁹ علاوه بر این، لازم است که مجموعه‌ای از اقدامات غیرتنبیهی خارج از چارچوب قوانین کیفری مورد توجه قرار گیرد، به‌ویژه که ابزارهای کمتر محدودیت‌آور می‌تواند در مقابله با تبعیض و عدم رواداری، کارآمدتر باشد.

برنامه رباط و قطع‌نامه ۱۸/۱۶ شورای حقوق بشر سازمان ملل، مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی ایجابی را توصیف کرده است که کشورها باید به منظور ایجاد فضایی که در آن حقوق آزادی بیان و آزادی دین و عقیده فرصت رشد می‌یابد، اجرا کنند. این مجموعه اقدامات شامل اقدامات پیشگیرانه، نظیر فعالیت‌های آموزشی و نیز اقدامات واکنشی از قبیل موضع گرفتن علنی علیه حوادث ناروادارانه است. این نشان می‌دهد که حقوق بشر بین‌المللی عدم رواداری مذهبی را یک خطر بالقوه در قبال حقوق بشر تلقی می‌کند. ماهیت استثنایی محدودیت‌های مجاز بر حق آزادی بیان به این معنا نیست که کشورها مکلف به واکنش در برابر وقوع حوادث عدم رواداری مذهبی نیستند. بلکه جان‌مایه‌ی برنامه رباط این است که بهترین و مؤثرترین روش جلوگیری از خشونت و تبعیض، تحریک به این گونه اقدامات، نه سانسور، بلکه گفتگوی آزادانه است.

بنابراین، بر اساس استانداردهای بین‌المللی ناظر بر آزادی بیان، حتی دیدگاه‌های افراطی در زمینه مسائل مذهبی نیز مستحق محافظت هستند مگر این که محدود کردن آن‌ها بر اساس شاخص‌هایی که پیشتر شرح داده شد لازم باشد. «حصول اطمینان و محافظت از گفتگوی علنی و عمومی باید به‌مثابه روش اولیه برای محافظت از ارزش‌های بنیادین و غیرقابل انکار، از جمله اصل آزادی بیان و دین، و در عین حال برای محافظت از جامعه و افراد در برابر تبعیض در نظر گرفته شود. تنها انتشار یا اظهار آن دسته از عقایدی جایز نیست که اساساً با یک رژیم دموکراتیک ناسازگاری دارند، چرا که چنین اشکال بیانی موجب برانگیختن نفرت‌ورزی که علی‌الاصول ممنوع است، می‌شوند».⁴⁰

تجزیه و تحلیل اصلاحات الحاقی

شرح ماده ۴۹۹ مکرر

طبق ماده ۴۹۹ مکرر⁴¹، اظهار می‌کند که هر کس که با نیت ایجاد «تفرقه و خشونت» در جامعه یا با علم به این که رفتارش موجب «تفرقه و خشونت» خواهد شد، به ادیان قانونی، مذاهب اسلامی و قومیت‌های ایرانی «اهاانت» کند، متحمل مجازات‌های سنگین خواهد شد. مجازات‌های در نظر گرفته شده در صورت منجر شدن رفتار غیرقانونی به «خشونت یا تفرقه»، حکم حبس از دو تا پنج سال و/یا جریمه نقد است. چنانچه «توهین» ارتكابی منجر به «خشونت و تفرقه» نشود، این مجازات‌ها ممکن است به حبس از شش ماه تا دو سال و/یا جریمه نقدی تبدیل شوند. رفتارهایی که مشمول مجازات‌های حدی می‌شوند، از مفاد این ماده کنار گذاشته شده‌اند.

بررسی مفاد ماده ۴۹۹ مکرر در چارچوب آزمون سه‌گانه مربوط به محدودیت‌های حق آزادی بیان (به بالا رجوع کنید) توسط سازمان آرتیکل ۱۹ نشان می‌دهد که این ماده با الزامات آزمون مذکور مطابقت ندارد.

تطابق با اصل قانونی بودن

نخست این که ماده ۴۹۹ مکرر با اصل قانونی بودن مغایر است. اصل قانونی بودن ایجاب می‌کند که کلیه قوانین از استانداردهای مشخصی پیروی کنند که از شفافیت و دقت برخوردارند و افراد را قادر می‌سازند که عواقب رفتار خود را بر اساس قانون پیش‌بینی کنند. قوانین مبهم با دامنه کاربرد نامشخص که قابلیت تفسیر بیش از حد موسع دارند، این استاندارد را برآورده نمی‌سازند و از همین رو، محدودیت‌هایی نامشروع برای اصل آزادی بیان محسوب می‌شوند.

ماده ۴۹۹ مکرر از زبانی پرابهام استفاده می‌کند و از این رو اختیاراتی گسترده به مقامات برای بسط دامنه آن به هر رفتاری که صلاح می‌دانند می‌بخشد. برای نمونه، روشن نیست که منظور از «اهاانت» دقیقاً چیست؟ در صورت انجام دقیقاً چه عملی یک فرد مرتکب «توهین» یا ایجاد «تفرقه» شده است؟ پاسخ این پرسش‌ها خود زمینه طرح پرسش‌های متعدد دیگر را فراهم می‌کند. این اصطلاحات به قدری مبهم هستند که افراد نمی‌توانند از پیش اطمینان حاصل کنند که آیا طبق این مقررات مرتکب جرمی می‌شوند یا خیر. بلکه این امر فقط بر اساس ارزیابی شخصی مقامات انتظامی و قضایی، و پس از وقوع واقعه مشخص خواهد شد.

تبصره شماره ۱ ماده به شکل نگران‌کننده‌ایی در تعریف «توهین» به مجموعه‌ایی از مقررات عمیقاً ناقص در قانون مجازات اسلامی ارجاع می‌دهد. این قوانین خود هیچ‌گونه تعریفی از «توهین» ارائه نمی‌دهند و در نقض قوانین و استانداردهای بین‌المللی محدودیت‌های غیرقانونی بر حق آزادی بیان وضع می‌کنند: برای مثال مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ که به شکلی مبهم و موسع «توهین به مقدسات اسلام»، «توهین به امام خمینی و رهبر جمهوری اسلامی»، «توهین به افراد از طریق استعمال الفاظ رکیک» و توهین به مقامات کشور از جمله رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و وزرا را مورد جرم‌انگاری قرار می‌دهند.

سازمان آرتیکل ۱۹ معتقد است که واگذاری چنین اختیاراتی به مقامات انتظامی یا حتی قضایی، منجر به صدور احکام خودسرانه و بی‌ضابطه خواهد شد. این امر تأثیر سترگی بر آزادی بیان و امکان بهره‌مندی از یک زندگی عاری از هراس و رفتار بی‌ضابطه برای مردم در ایران خواهد داشت.

هدف مشترک

همان گونه که پیشتر اشاره شد، بر اساس قوانین بین‌المللی، ادیان، مذاهب، و عقاید از محافظت در برابر حملات کلامی و توهین بهره‌مند نیستند. طبق بند ۳ ماده ۱۹ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها از لحاظ قانونی مجاز به اعمال محدودیت بر حق آزادی بیان به قصد حفظ ادیان و نظام‌های اعتقادی در برابر انتقاد، بحث، توهین و افترا نیستند. دولت‌ها همچنین نمی‌توانند با هدف محافظت از پیروان یک دین یا عقیده در برابر توهین و افترا، محدودیت‌های آزادی بیان را گسترش دهند. بدین نحو، ماده ۴۹۹ مکرر طبق قوانین بین‌المللی حقوق بشری غیرقانونی محسوب می‌گردد.

بر اساس تفسیر عمومی شماره ۳۴، قوانینی که بی‌احترامی به یک دین یا نظام اعتقادی را ممنوع می‌کنند تنها در صورتی با استانداردهای آزادی بیان سازگاری دارند که حقیقتاً از تحریک به تبعیض، خصومت یا خشونت ممانعت کنند. این ممنوعیت‌ها همچنین باید در تطابق با استانداردهای بند ۳ ماده ۱۹ و سایر مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، از جمله مقررات مرتبط با عدم تبعیض باشند.⁴²

هرچند ماده ۴۹۹ مکرر به «خشونت» اشاره می‌کند، اما در اعمال ممنوعیت بر آزادی بیان هیچ اشاره‌ای به ترغیب و تحریک به تبعیض، خصومت، خشونت یا نفرت تبعیض‌آمیزی علیه یک گروه هدف قرار گرفته را ندارد. این امر در تضاد با قوانین بین‌المللی است. این ماده همچنین بیان نمی‌کند که مخاطبان بیان مورد ممنوعیت باید نسبت به ارتکاب اعمال آسیب‌زا علیه گروه هدف قرار گرفته تحریک شوند. استانداردهای بین‌المللی حاکی از آن است که برای ضرورت یافتن اعمال ممنوعیت، لازم است طرفداری از نفرت به آستانه‌ای از شدت برسد که احتمال بالایی از حصول نتایج ممنوعه، از جمله خشونت قریب‌الوقوع، خصومت یا تبعیض، در برداشته باشد.

سازمان آرتیکل ۱۹ نگرانی خود را از اینکه ماده ۴۹۹ مکرر، قدرت مقامات را برای هدف قرار دادن نظرات مخالف افزایش می‌دهد ابراز می‌کند. افزون بر این، ماده ۴۹۹ مکرر علی‌رغم عبارت‌بندی‌اش که ممکن است مدعی نقشی محافظتی برای افراد متعلق به اقلیت‌های مذهبی و اقلیتی باشد، در واقع هیچ‌گونه محافظتی برای این اقلیت‌ها که در معرض تبعیض نظام‌مند و موارد نقض حقوق بشر و همچنین بازنمایی‌ها و تصویرسازی‌های کلیشه‌ای و تحقیرآمیز، در برخی مواقع حتی از سوی نهادهای حکومتی و دیگر نهادها در عرصه عمومی و همچنین عوامل غیرحکومتی هستند، عرضه نمی‌کند. به جای آن، ماده‌ی مذکور فضای از پیش محدود آزادی بیان در کشور را بیش از پیش تنگ خواهد کرد. در واقع احتمال بسیار دارد که این ماده علیه افراد متعلق به گروه‌های اقلیتی استفاده شود که از حقوق بشر خود از جمله برای اعتراض علنی درباره نقض حقوق مدنی و سیاسی‌شان و همین‌طور حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان استفاده می‌کنند.

تطابق با اصل ضرورت و تناسب

نهایتاً، ممنوعیت‌های مطرح شده توسط ماده ۴۹۹ مکرر در مغایرت با اصل ضرورت و تناسب قرار دارند، زیرا آزادی بیان را به صورتی گسترده محدود می‌کنند و با مزایای مورد ادعایشان تناسب ندارند.

سازمان آرتیکل ۱۹ مجدداً تأکید می‌کند که این ممنوعیت‌ها موجب نقض حقوق معتقدان به ادیان و مذاهب اقلیت و نیز افراد غیرمؤمن و خدا/دین‌ناباور می‌شوند؛ چرا که ممکن است منجر به ایجاد هراس از پیگرد قانونی شوند، و/یا در عمل شخص یا گروهی را به پذیرش دین یا عقیده‌ای متفاوت از عقیده‌ی به اختیار برگزیده‌شان وادار کنند. در نتیجه، این ممنوعیت‌ها با تعهدات مربوط به تضمین حقوق آزادی فکر، وجدان، دین و عقیده مغایرت دارد.

به‌علاوه، ماده ۴۹۹ مکرر نه تنها اموری را که ذیل استفاده مشروع از حق آزادی بیان قرار می‌گیرند جرم تلقی می‌کند، بلکه آن‌ها را با مجازات‌های سختی نیز روبه‌رو می‌سازد: این مجازات‌ها عبارتند از حبس از ۲ تا ۵ سال و/یا جریمه نقدی از ۸۰ تا ۱۸۰ میلیون ریال، چنان‌چه «توهین» ارتكابی دربردارنده عوامل مشدده مذکور در تبصره ماده ۴۹۹ مکرر باشد، این مجازات‌ها ممکن است یک درجه شدت یابند و به حبس ۵ تا ۱۰ سال و یا جریمه نقدی ۱۸۰ تا ۳۸۰ میلیون ریال تبدیل شوند.

سازمان آرتیکل ۱۹ خاطرنشان می‌سازد که همانگونه که نهادهای بین‌المللی حقوق بشری گفته‌اند، اعمال مجازات زندان برای جرائم مربوط به گفتار سیاسی یا بحث درباره مسائل منافع عمومی تنها در «شرایط استثنایی» و زمانی که که سایر حقوق اساسی به طور جدی آسیب دیده‌اند، مثلاً در مورد «سخنان نفرت‌زا» یا تحریک به خشونت با استانداردهای آزادی بیان سازگار است.⁴³ این اصل همچنین در مورد مجازات‌های حبس تعلیقی یا مشروط نیز اعمال می‌شود.⁴⁴

ماده مورد بررسی مجازات‌های تعیین‌شده در مواردی که «اهانت» توسط گروه‌های سازمان‌یافته صورت گرفته باشد، را شدت می‌بخشد؛ در حالی که هیچ تعریف حقوقی از «جرائم سازمان‌یافته» یا «گروه‌های سازمان‌یافته» در قانون ایران وجود ندارد. به علت فقدان تعریف دقیق قانونی، مقامات اختیارات گسترده‌ای خواهند داشت تا نه تنها افراد را به جرم استفاده مشروع از حق آزادی بیان محکوم کنند، بلکه به طور خودسرانه مجازات‌های پیش‌بینی‌شده علیه افراد را افزایش دهند. اختیاراتی که توسط این طرح به مقامات قضایی اعطا می‌شود، همچنین ممکن است منجر به تشدید حملات علیه حق بر آزادی تجمع و تشکل شود. این از آن جهت است که تجمعات و گروه‌های مسالمت‌آمیز و قانونی ممکن است به عنوان «گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته» شناخته شوند. علاوه بر این، در نظر گرفتن مجازات‌های سنگین‌تر برای کارمندان دولت احتمالاً این گروه را ناچار به افزایش سطح خودسانسوری می‌کند.

سازمان آرتیکل ۱۹ همچنین نگران است که طرح مذکور تقریباً تمامی شیوه‌های انتشار که بیان جرم‌انگاری شده از طریق آن‌ها اظهار می‌شود، را از عوامل مشدده جرم محسوب می‌کند. این شیوه‌ها شامل سخنرانی‌های عمومی، انتشار در رسانه‌های سنتی و انتشار در اینترنت، از جمله در شبکه‌های اجتماعی است. طی سال‌های اخیر، انتشار مطالبی در شبکه‌های اجتماعی که توسط مقامات «توهین‌آمیز» تلقی شده‌اند، منجر به موارد متعدد دستگیری - و در برخی موارد صدور مجازات اعدام (در تناقض آشکار با قوانین و استانداردهای بین‌المللی) شده است.⁴⁵

این نگرانی‌ها با توجه به تلاش‌های فزاینده حکومت با هدف اعمال محدودیت‌های بیشتر بر بیان آنلاین از جمله از طریق فیلتر کردن شبکه‌هایی مانند توئیتر⁴⁶ و تلگرام، و همچنین سایر قوانین موجود و تحت بررسی، مانند قانون جرایم رایانه‌ای،⁴⁷ لایحه صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی،⁴⁸ و طرح سامان‌دهی پیام‌رسان‌های اجتماعی شدت می‌یابند. این قوانین و طرح‌های قانونی (لایحه صیانت از داده‌ها و طرح سامان‌دهی پیام‌رسان‌های اجتماعی⁴⁹ همچنان در دست بررسی است) تهدیدهای جدی برای حریم خصوصی آنلاین محسوب می‌گردند، و زمینه مناسبی برای شناسایی کاربران را فراهم می‌آورند که از محدودیت‌های غیرمشروع اعمال شده بر آزادی بیان در کشور پیروی نمی‌کنند. ماده ۱۰ قانون جرایم رایانه‌ای، با جرم‌انگاری «مخفی‌سازی داده‌ها، تعویض رمز عبور، و/یا کدگذاری داده‌ها به نحوی که مانع دسترسی مقامات به داده‌ها، رایانه و سیستم‌های ارتباطی شود»، عملاً رمزگذاری را نیز جرم‌انگاری می‌کند.

محافظت ادعایی از گروه‌های اقلیت در برابر تحریک

هرچند که اصلاحات الحاقی به قانون مجازات اسلامی صراحتاً ادعای تلاش برای محافظت از افراد و گروه‌ها در مقابل بیانات نفرت‌زا نمی‌کند، اما اشاره‌ی طرح مذکور به خطرات اجتماعی ناشی از «توهین» به «ادیان و قومیت‌ها»، و اصطلاح‌بندی ماده ۴۹۹ مکرر، ممکن است این تصور را ایجاد کند که محدود کردن سخنان نفرت‌زا ممکن است به عنوان توجیهی برای معرفی مواد جدید استفاده شده باشد. گزارش کمیسیون حقوقی و قضایی در مورد پیش‌نویس اولیه طرح نیز حاکی از چنین ادعاهایی است. در این گزارش اظهار شده است که به دلیل همپوشانی بین این طرح و طرحی با عنوان «مبارزه با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی»⁵⁰ نهایتاً این دو طرح تلفیق شده‌اند. همچنین مقامات ایران در ژانویه سال ۲۰۲۱ و در پاسخ به مکاتباتی از سوی تعدادی از گزارشگران ویژه سازمان ملل درباره پرونده ۲۴ فردی که به مسیحیت گرویده بودند، ادعاهای صریح‌تری در رابطه با نقش «محافظتی» طرح مذکور مطرح ساختند. در این پاسخ، طرح مورد

گفتگو به عنوان سندی قانونی مورد ارجاع قرار گرفت که محافظت از حق آزادی مذهب و عقیده را در کشور تقویت می‌کند.⁵¹

سازمان آرتیکل ۱۹ قویا چنین ادعاهایی را انکار می‌کند. ماده ۴۹۹ مکرر هیچ قدمی برای حمایت از گروه‌های اقلیتی و مذهبی، که با تبعیض نظام‌مند و نقض حقوق بشر روبرو هستند، و یا برای مقابله با تصاویر توهین‌آمیز و کلیشه‌ای از آن‌ها (که گاه به دست نهادهای دولتی انجام می‌شود و گاه در عرصه عمومی و به دست عوامل غیردولتی) برنداشته است. این ماده نه از بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیروی می‌کند و نه عناصر اصلی آن را منعکس می‌سازد، بلکه از مقررات مجاز برای آزادی بیان در مفاد آن فراتر می‌رود:

- **ترغیب به نفرت تبعیض‌آمیز:** ماده ۴۹۹ مکرر هرگونه بیان احتمالا توهین‌آمیز را جرم‌انگاری می‌کند بدون این که لازم باشد بیان مورد نظر به راستی تحریک به نفرت تبعیض‌آمیز کرده باشد. تحریک به نفرت متضمن نحوه‌ای از بیان است که علنا تلاش دارد نفرت تبعیض‌آمیز را علیه گروه هدف قرار گرفته تشویق کند. بنابراین تمرکز اصولی باید به جای تاثیر احساسی بیان بر گروه هدف گفتار نفرت‌زا، بر وضعیت احساسی مخاطبان آن بیان در ارتباط با گروه هدف مذکور باشد.
- **گروه مورد هدف به واسطه ویژگی‌های تحت حمایت تعریف شده باشد:** ماده ۴۹۹ مکرر، بدون نام بردن از گروه‌هایی که بیان ممنوعه آن‌ها را هدف قرار می‌دهد یا ویژگی‌های تحت حمایت این گروه‌ها، صرفا به «ادیان» و «قومیت‌ها» در اشکال انتزاعی‌شان اشاره دارد. عدم درج کلیه خصوصیات تحت حمایت ذیل مقررات مربوط به عدم تبعیض در قوانین بین‌المللی حقوق بشری - نظیر نژاد، زبان، جنسیت، هویت جنسیتی، گرایش جنسی، مهاجرت یا وضعیت پناهندگی، عقاید سیاسی یا سایر عقاید و داشتن معلولیت - در پیش‌زمینه‌ای است که در ایران افراد و گروه‌هایی با ویژگی‌های تحت حمایت، از جمله جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وی و مهاجران و پناهندگان از افغانستان، طی دهه‌های گذشته به نحو نظام‌مند هدف بیان نفرت‌پراکنانه بوده‌اند. در حقیقت، مقامات ایران خود همواره در صف مقدم نشر گفتار نفرت‌پراکنانه و خشونت‌انگیز علیه جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وی قرار داشته‌اند. بیانیه‌ها و مطالب رسمی منتشر شده توسط رسانه‌های تحت کنترل یا حمایت حکومتی اغلب افراد متعلق به جامعه ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وی را «بی‌اخلاق»، «فاسد»، «حیوان‌صفت» و «بیمار» وصف کرده و نفرت و خشونت علیه این جامعه را ترویج و توجیه می‌کنند.⁵²

افزون بر این، لایحه مذکور نه تنها «دین و قومیت» را صرفا در قالب مفاهیمی انتزاعی مطرح می‌کند، بلکه به عمد دامنه ادیان را با صرفا به ادیان مصرح در قانون اساسی کشور، محدود می‌سازد. طبق ماده ۱۳ قانون اساسی، «ایرانیان زرتشتی، یهودی و مسیحی تنها اقلیت‌های مذهبی شناخته شده هستند این امر پیروان بسیاری از ادیان، مذاهب و عقاید دیگر را از حمایت‌های قانونی لازم محروم ساخته است.

اشاره صریح قانون‌گذاران به ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون، با توجه به وجود تبعیض گسترده و مداوم علیه افراد متعلق به گروه‌های اقلیت مذهبی و اعتقادی نظیر بهائیان، یارسان، مندائیان، درویش و ناخداپوران شکل تهدیدآمیزتری نیز به خود می‌گیرد. در واقع، مقامات ایران فعالانه سیاست نفرت‌پراکنی علیه گروه‌هایی مانند بهائیان، یارسان و درویش را در پیش گرفته‌اند. بهائیان به نحو نظام‌مند توسط مقامات دولتی و رسانه‌های نزدیک حکومت به عنوان «فرقه‌ای فتنه‌انگیز»، «فرقه مانند»، «از لحاظ اخلاقی فاسد» و «منحرف» توصیف شده و به «جاسوسی» و توطئه‌پردازی علیه جمهوری اسلامی تحت سازمان‌دهی غرب متهم گشته‌اند.

● **تحریک به خشونت، خصومت یا تبعیض:** برخی از این اصطلاحات بنیادین در اصول کمدن مورد تشریح قرار گرفته‌اند.⁵⁴ ماده ۴۹۹ مکرر تحریک مخاطب بیان به ارتکاب اعمال آسیب‌زا علیه گروه هدف را برای ممنوع کردن آن ضروری نمی‌داند. حال آن که طبق استانداردهای بین‌المللی برای ضرورت یافتن ممنوعیت یک بیان، لازم است که حمایت از نفرت به آستانه‌ای از شدت دست یابد که به احتمال بسیار منجر به نتیجه‌ای ممنوعه، یعنی خشونت قریب‌الوقوع، خصومت یا تبعیض شود.

تعیین این که آیا آستانه شدت تامین شده است، ملزوم استفاده از آزمون شش‌بخشی است که در زیر آورده شده:

● **(عنصر روانی) قصد:** ماده ۴۹۹ مکرر نه تنها اشاره‌ای به تحریک به نفرت‌پراکنی تبعیض‌آمیز به عنوان شرط ممنوع کردن بیان نمی‌کند، بلکه فاقد هرگونه مقرره‌ایی در رابطه با عنصر روانی لازم برای مسئول نگاه‌داشتن افراد از حیث کیفری است. با توجه به ماهیت جدی مجازات‌هایی که برای استفاده از حقی اساسی یعنی آزادی بیان در این طرح در نظر گرفته شده، لازم است وجود نیت مشخص تحریک به نفرت - و در نتیجه تحریک آسیب‌هایی مشخص - نشان داده شود. بنابراین ضرورت دارد قصد فرد برای تحریک به نفرت تبعیض‌آمیز، یا قصد هدف قرار دادن گروه خاصی بر اساس ویژگی‌های تحت حمایت آن‌ها (برای مثال دین و نژاد) و نیز آگاهی از این که عمل او احتمالاً نتیجه‌ای ممنوعه (خشونت، خصومت یا تبعیض) در پی خواهد داشت، به شهود برسد.

برنامه رباط تصریح می‌کند که آستانه‌ای بالا برای ممنوع کردن و جرم‌انگاری اشکال بیان وجود دارد که باید بر اساس قوانین دقیق و محدود مشخص شود. این برنامه شش معیار را برای تعیین این آستانه پیشنهاد می‌کند:

55

- **پیش‌زمینه بیان،** بر اساس این معیار وجود تعارض و نزاع در جامعه - و به‌ویژه هرگونه سابقه خشونت یا تبعیض نهادین‌شده علیه گروه هدف - و همچنین وضعیت قانونی، سیاسی و رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود؛
- **هویت گوینده،** به ویژه موقعیت، اقتدار و اعتبار و یا میزان تأثیرگذاری او بر مخاطبان؛
- **قصد تبلیغ به نفرت که به آستانه تحریک به خشونت، خصومت یا تبعیض (چنانچه در بالا توضیح داده شد)؛**
- **محتوا یا شکل بیان،** شامل آنچه به بیان درآمده، شکل و لحن بیان، و نیز فهم مخاطب از آن، به ویژه در مواردی که تحریک غیرمستقیم باشد؛
- **ابعاد بیان،** از جمله میزان عمومی بودن و دامنه بیان موردنظر؛ و
- **احتمال و قریب‌الوقوع بودن تحریک به خشونت، خصومت یا تبعیض.**

شایان اهمیت است که بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی جرم‌انگاری را از آنجایی که عقوبتی شدید محسوب می‌شود الزامی نمی‌کند. با این حال، در مواردی که تحریک به خشونت و آستانه شدت شش قسمتی شرح داده شده در بالا اثبات شده باشد، مجازات‌های کیفری متناسب ممکن است قابل توجیه باشند.

سازمان آر‌تیکل ۱۹ از مقامات حکومت ایران می‌خواهد که به جای ماده ۴۹۹ مکرر که حق آزادی بیان را مغایر با قوانین بین‌المللی محدود می‌کند، قوانینی تصویب کنند که هدف آن حفاظت از گستره وسیعی از ویژگی‌های به رسمیت شناخته شده تحت ماده ۲(۱) و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در برابر تشویق به نفرت، خشونت یا تبعیض باشد.

تحلیل ماده ۵۰۰ مکرر

ماده ۵۰۰ مکرر^{۵۶} اظهار می‌دارد که «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد.» این رفتارهای ممنوعه از جمله^{۵۷} شامل «هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)» می‌شوند.

سازمان آرتیکل ۱۹ باور دارد این مفاد منجر به وقوع صور بیشتر و شدیدتری از نقض خودسرانه و غیرقانونی حق آزادی دین و عقیده به واسطه قانون خواهد شد. چنانچه پیشتر اشاره شد، فعالیت‌های تربیتی یا تبلیغی و سایر اشکال بیان مذهبی - نظیر طرح ادعاهای «خلاف واقع» مذهبی (که تعیین جعلی بودن یا نبودن آن‌ها به عهده افراد و نه دولت‌هاست)، ادعای الوهیت یا نبوت، و نیز ادعای ارتباط با پیامبران - همگی تحت حقوق آزادی بیان و آزادی دین و عقیده تضمین شده‌اند.

طبق بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، صرف تناقض یا تداخل چنین رفتاری با اسلام یا دین رسمی دولت، نمی‌تواند دلیل مجاز برای اعمال محدودیت بر بیان آن تلقی شود. کمیته حقوق بشر تصریح کرده است که به رسمیت شناختن یک دین به عنوان مذهب رسمی، یا این واقعیت که اکثریت مردم یک کشور از یک دین مشخص پیروی می‌کنند، نباید منجر به نقض حقوق دیگران، یا اعمال تبعیض علیه پیروان سایر ادیان یا خدا/دین‌ناباوران شود.^{۵۸} بنابراین، مفاد ماده ۵۰۰ مکرر، با قوانین حقوق بشری بین‌المللی در تناقض قرار دارد.

سازمان آرتیکل ۱۹ تأکید دارد که این الحاقات، بیش از گروه‌های دیگر، حقوق گروه‌های اقلیت دینی و اعتقادی و نیز صاحبان عقاید مخالف در اسلام و خدا/دین‌ناباوران، که چه به لحاظ قانونی و چه در عمل با تبعیض روبرو هستند، را مورد نقض قرار دهد. چنانچه پیشتر توضیح داده شد، قانون اساسی ایران به طور کامل حق آزادی دین و عقیده را تضمین نمی‌کند. در ایران، اسلام شیعی مذهب رسمی کشور اعلام شده است، در حالی که تنها سه دین دیگر - یهودیت، مسیحیت و دین زرتشت^{۵۹} به رسمیت شناخته شده‌اند. این امر به مقامات اجازه داده است تا افراد را به صرف استفاده‌شان از حق آزادی دین و عقیده، تحت پیگرد قانونی قرار دهند. تاکنون، بیشترین موارد تعقیب قضایی این افراد تحت عنوان محافظت از امنیت ملی صورت گرفته است. مواد الحاقی به مقامات امکان بیشتری برای تحت تعقیب قرار دادن اشخاص به دلیل استفاده از حق آزادی دین و عقیده می‌بخشد.

متن ماده ۵۰۰ مکرر به ویژه برای پیروان دین بهائی هراس‌انگیز است. طی چندین دهه گذشته، بهاییان در ایران هدف اشکال خشونت و سرکوب از جمله تعقیب کیفری و ناپدیدسازی‌های قهری، اعدام‌های خودسرانه، شتابزده و فراقانونی و نیز تخریب اماکن مذهبی‌شان قرار گرفته‌اند.^{۶۰} این حملات به دلیل امتناع مکرر مقامات کشور از به رسمیت شناختن آیین بهائی به عنوان یک دین و همچنین با طبقه‌بندی آن تحت عنوان یک «جناح سیاسی» و «فرقه» مضر تسهیل شده است.^{۶۱} بسیاری از بهائیان که بر اساس اعتقادات مذهبی خود تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به تبلیغ دین بهائی و با اتهاماتی از قبیل «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در یک گروه غیرقانونی» متهم می‌شوند.^{۶۲} با توجه به چنین سابقه‌ای، که نشان می‌دهد مقامات ایران چگونه دین بهائی را

تهدیدی برای اسلام و امنیت ملی قلمداد می‌کنند، انتظار می‌رود جرم‌انگاری «فعالیت‌های تبلیغاتی که در تناقض یا تداخل با شرع مقدس اسلام قرار گیرد» توسط ماده ۵۰۰ مکرر، ابزارهای قانونی افزونی برای نفی حقوق بشر بهائیان به حکومت ایران اعطا کند.⁶³

علاوه بر این، تبصره ماده ۵۰۰ مکرر، که در صورت وجود «ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی»، مجازات را یک درجه افزایش می‌دهد، احتمالاً خطرات موجود برای بهائیان را شدت می‌بخشد. این مسئله از آن روست که به دلیل وجود آرامگاه سیدعلی‌محمد باب در حیفاء، بهائیان اغلب به «همکاری و ارتباط با اسرائیل» متهم می‌شوند.

تغییر کیش‌دهندگان به مسیحیت از دیگر گروه‌های تحت تعقیب و آزار هستند که بیم آن می‌رود در نتیجه الحاقات جدید به قانون مجازات با مراتب شدیدتری از سرکوب مواجه شوند. در حالی که ارتداد طبق قانون مجازات اسلامی به عنوان جرم کیفری شناخته نشده است، ماده ۱۶۷ قانون اساسی در تناقض با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به قضات اجازه می‌دهد تا در مواقعی که قانون در مسأله‌ای ساکت یا مبهم است، به منابع غیررسمی شرعی رجوع کنند. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مشخصاً اظهار می‌کند که در پرونده‌های مربوط به جرائم حدود که طبق این قانون تصریح نشده‌اند، قضات باید طبق ماده ۱۶۷ قانون اساسی عمل کنند. این امر عملاً به مقامات قضایی اجازه می‌دهد تا برای «جرم» ارتداد، حکم اعدام صادر کنند، هرچند این مسأله در قانون تصریح نشده است. در عمل، مقامات به نحو فزاینده‌ای از مواد مرتبط با امنیت ملی نظیر «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت در گروه‌های دشمن و غیرقانونی» به منظور تحت تعقیب قرار دادن گروندگان به مسیحیت به‌خاطر استفاده از حق آزادی بیان و عقیده استفاده کرده‌اند.⁶⁴

دراویش گنابادی، که حقوق مدنی و سیاسی و همچنین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان به نحو نظام‌مندی مورد نقض قرار گرفته است، به نحو مشابهی با این اتهامات امنیت ملی مواجه بوده‌اند.⁶⁵ الحاقات به قانون مجازات اسلامی دراویش را بیش از پیش در معرض خطر آزار و تعقیب صرفاً به‌خاطر استفاده از حقوق بشرشان قرار خواهد داد. این نگرانی در مورد اقلیت یارسان، منداییان و سایر اقلیت‌های دینی و مذهبی نیز صادق است.

همچنین انتظار می‌رود که ماده ۵۰۰ مکرر به منظور پیگرد قانونی هرچه بیشتر افراد به بهانه پیروی و عمل به عقاید متفاوت، نظیر پیروان عرفان حلقه مورد استفاده قرار گیرد. پیروان این قبیل گروه‌های معنوی/عرفانی که عموماً توسط حکومت ایران تحت عنوان «فرقه‌های ضاله» توصیف می‌شوند، معمولاً با اتهاماتی نظیر «اعمال سلطه روانی» و «القائات» به قصد افساد جامعه روبه‌رو می‌شوند.⁶⁶ استفاده از چنین اصطلاحاتی در متن قانون در عمل این قبیل اشکال تبعیض و آزار را بیش از پیش تسهیل می‌کند.

سازمان آرتیکل ۱۹ نگرانی عمیق خود را از اینکه ماده ۵۰۰ مکرر نیز همانند ماده ۴۹۹ مکرر تلاش‌های حکومت ایران برای اعمال محدودیت هرچه بیشتر در مورد آزادی بیان آنلاین را شدت خواهد بخشید ابراز می‌کند.

توصیه‌ها

با توجه به تحلیل حقوقی ارائه شده، سازمان آرتیکل ۱۹ از مقامات ایران می‌خواهد که:

- فوراً مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی را لغو کنند؛
- تمامی قوانین داخلی را در راستای انطباق با تعهدات بین‌المللی حقوق بشری کشور مورد بازبینی و اصلاح اساسی قرار دهند. این شامل مواد مبهم و با تعاریف بیش از حد گسترده قانون مجازات اسلامی که حقوق آزادی بیان را بی‌جهت محدود می‌کنند، از جمله مواد ۲۶۲، ۵۰۰، ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۳۸، ۶۹۸ و ۷۰۰ است که باید لغو و یا در جهت انطباق با قوانین بین‌المللی به نحوی اساسی اصلاح شوند؛
- قانون اساسی، از جمله مواد ۱۳ و ۲۴ آن را، در جهت تضمین حقوق آزادی بیان، اندیشه، دین و عقیده مطابق با قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری اصلاح کنند؛
- کلیه مقررات قانونی که توهین به ادیان و/یا کفرگویی و همچنین ارتداد را ممنوع و جرم‌انگاری می‌کند ملغی سازند؛
- اطمینان حاصل کنند که تنها حمایت از آن دسته نفرت‌پراکنی‌های تبعیض‌آمیز که محرک خصومت، تبعیض یا خشونت می‌شوند، مطابق با بند ۳ ماده ۱۹ و بند ۲ ماده ۲۰ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد ممنوعیت قرار بگیرند، و به این واسطه آستانه بالایی (چنانچه در برنامه رباط تعیین شده است) برای اعمال محدودیت بر حق آزادی بیان وضع نمایند؛ و
- برنامه‌ای جامع در رابطه با عملی کردن برنامه اجرایی رباط شامل برنامه‌هایی برای آموزش مقامات انتظامی، قضایی و سایر دست‌اندرکاران در اجرای عدالت در مورد ممنوعیت اعمال محرک نفرت و «گفتار نفرت‌زا» در پیش گیرند.

- 1 نگاه کنید به: آرتیکل ۱۹، ایران: قانون‌گذاران طرح «توهین به ادیان، مذاهب و اقوام» را فوراً از دستور کار خارج کنند.
- 2 به عنوان مثال نگاه کنید به گزارش کمپین حقوق بشر ایران، «جمهوری اسلامی ایران امکان دریافت کارت ملی را از اقلیت‌های مذهبی غیر رسمی سلب کرده است»، ۷ بهمن ۱۳۹۸.
- 3 «خواهر زهرا محمدی: اتهامات بی اساس است؛ خواهرم مدرس زبان کردی است»، ۱۶ آبان ۱۳۹۸.
- 4 «محکومیت جمعی معترضان صوفی در تاریخ قضایی ایران بی‌سابقه است»، ۲۷ مرداد ۱۳۹۷.
- 5 به‌علاوه، گزارش‌های سالانه سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر به طور مداوم تبعیض و آزار و اذیت علیه اقلیت‌های اثنی‌کی، دینی و مذهبی ایران در دهه‌های گذشته را مستند کرده‌اند. به عنوان مثال می‌توانید مراجعه کنید به: «عفو بین‌الملل، حقوق بشر در خاورمیانه و شمال آفریقا: مروری بر سال ۲۰۱۹»، ۱۸ فوریه ۲۰۲۰.
- 6 و همچنین: دیده‌بان حقوق بشر، «گزارش جهانی ۲۰۲۰، رویدادهای سال ۲۰۱۹».
- 7 در نظام حقوقی ایران، مواد مکرر موادی هستند که به قانونی تصویب شده اضافه می‌شوند بدون آن که ماده جدید جای ماده قانونی دیگری را بگیرد.
- 8 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۲۴.
- 9 قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۶۲.
- 10 قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۰۰.
- 11 قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۳.
- 12 قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۱۴.
- 13 قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۰۹.
- 14 قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۳۸.
- 15 قانون مجازات اسلامی، تبصره ماده ۶۳۸.
- 16 قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۹۸.
- 17 قانون مجازات اسلامی، ماده ۷۰۰.
- 18 گزارش ارشالی مشترک سازمان آرتیکل ۱۹ و اکسپلر به بررسی اداری جهانی جمهوری اسلامی ایران، ۴ آوریل ۲۰۱۹.
- 19 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب قطعنامه شماره ۲۲۰۰ (XXI) A مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، لازم الاجرا از ۲۳ مارس ۱۹۷۶.
- 20 بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ مواد ۲ (۱) (ب) و ۱۵ کنوانسیون وین در خصوص قانون معاهدات، ۱۹۶۰.
- 21 کمیته حقوق بشر، بالانتین و دیویس علیه کانادا، پرونده شماره ۱۹۸۹/۳۵۹ و مکلتایر علیه کانادا، پرونده شماره ۱۹۸۹/۳۸۵، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲، پیوست، پاراگراف ۱۱.۳ (سند شماره 1989/359/CCPR/C/47/D و 1 Rev/1989/385)
- 22 نگاه کنید به کیم علیه جمهوری کره، مکاتبه شماره ۱۹۹۴/۵۷۴، ۳ نوامبر ۱۹۹۸ و پارک علیه جمهوری کره، مکاتبه شماره ۱۹۹۵/۶۲۸، ۲۰ اکتبر ۱۹۹۸.
- 23 برنامه اجرایی رباط در رابطه با منع حمایت از نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت باشد، ضمیمه 4.A / HRC / Add / 22/17، مصوبه ۵ اکتبر ۲۰۱۲. این برنامه در قطعنامه‌های مکرر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به‌منحو ایجابی مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان مثال مراجعه کنید به قطعنامه میازره با نارواداری، کلیشه‌های منفی و انگ‌گذاری و تبعیض، تحریک به خشونت و خشونت علیه اشخاص بر اساس دین یا عقیده؛ در سند سازمان ملل متحد به شماره، 4.A / HRC / RES / 22/31، ۱۵ آوریل ۲۰۱۳ بند ۴. این برنامه همچنین توسط طیف گسترده‌ای از رویه‌های ویژه سازمان ملل تأیید شده است، به عنوان مثال گزارش گزارشگر ویژه در مورد حمایت و ارتقاء حق آزادی عقیده و بیان ۷ سپتامبر ۲۰۱۲، 67/357 / A؛ گزارش گزارشگر ویژه در امر آزادی عقیده و مذهب، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۳، 25/58 / A؛ گزارش گزارشگر ویژه در مورد انواع معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و عدم تحمل (گزارشگر ویژه در امر نژادپرستی)، ۶ مه ۲۰۱۴، 26/49 / A؛ و ارائه مشاور ویژه سازمان ملل در زمینه پیشگیری از نسل‌کشی در سمینار تخصصی با موضوع شیوه‌های جلوگیری از تحریک به خشونت در زمینه‌های قومی، مذهبی یا نژادی در مواقع خطر قریب‌الوقوع جنایات وحشیانه، ژنو، ۲۲ فوریه ۲۰۱۳.
- 24 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۲۲، ماده ۱۸ (آزادی اندیشه، مذهب و عقیده)، ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۳، 4.CCPR/C/21/Rev.1/Add.
- 25 پاراگراف ۳.
- 26 تفسیر عمومی شماره ۲۲، پاراگراف ۸.
- 27 همان.
- 28 شورای حقوق بشر، گزارش گزارشگر ویژه در مورد ارتقاء و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده، 159/64/HRC/A، ژوئیه ۲۰۰۹، پاراگراف ۳.
- 29 تفسیر عمومی شماره ۲۲، ماده ۱۸، پاراگراف ۸.
- 30 اعلامیه سازمان ملل اعلامیه مربوط به حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا اثنی‌کی، دینی و زبانی، مصوب قطعنامه شماره ۱۳۵/۴۷ مجمع عمومی، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، پاراگراف ۴.۲.
- 31 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۳۴، ماده ۱۹: آزادی عقیده و بیان، مصوبه جلسه ۱۰۲ام در ژنو، ۱۱ تا ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۱، پاراگراف ۴۸ و ۱۹.
- 32 شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از زمان تصویب قطعنامه ۱۸/۱۶ در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ در مورد «مبارزه با عدم رواداری، کلیشه‌سازی منفی و انگ‌گذاری و تبعیض، تحریک به و اعمال خشونت علیه اشخاص بر اساس دین یا عقیده» از تصویب قطعنامه‌های بسیار مناقشه‌آمیز که دولت‌ها را به مبارزه با بدنام کردن مذاهب ترغیب می‌کند خودداری کرده است. مراجعه کنید به قطعنامه ۱۸/۱۶ در مورد «مبارزه با عدم رواداری، کلیشه‌سازی منفی و انگ‌گذاری و تبعیض، تحریک به و اعمال خشونت علیه اشخاص بر اساس دین یا عقیده» ۱۲ آوریل ۲۰۱۱. با حذف عمدی هرگونه اشاره به «بدنام کردن مذاهب» قطعنامه ۱۸/۱۶ در واقع و به نحو بالفعل این اصطلاح را رد هرگونه مشروعیت آن در سیستم حقوق بشری سازمان ملل متحد نفی کرده است. از آن زمان این رویه با قطعنامه‌های مشابه مصوب شورای حقوق بشر و مجمع عمومی تلفیق شده است. مراجعه کنید به قطعنامه‌های شورای حقوق بشر ۲۵/۱۹ مصوب ۲۳ مارس ۲۰۱۲، ۳۱/۲۲، ۲۲ مارس ۲۰۱۳، ۳۴/۲۵، ۲۸ مارس ۲۰۱۴ و ۲۹/۲۸، ۲۹ مارس ۲۰۱۵ و همچنین قطعنامه‌های مجمع عمومی ۶۶/۴۷، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، ۱۷۸/۶۷، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲، ۱۶۹/۶۸، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ و ۱۷۴/۶۹، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴.
- 33 شورای حقوق بشر، گزارش گزارشگر ویژه در مورد ارتقاء و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده، 14/7/HRC/A، فوریه ۲۰۰۸، پاراگراف ۸۵.
- 34 گزارش به دومین جلسه کمیته حقوق بشر، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶، پاراگراف 2/3/HRC/A.
- 35 گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی و نارواداری‌های مربوطه، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶، سند شماره 2/3/HRC/A.

- 31 برنامه اجرایی رباط در رابطه با منع ترغیب به نفرت ملی، نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت یا خشونت باشد، ۵ اکتبر ۲۰۱۲، پیوست گزارش سالانه کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳، سند شماره 4.A/HRC/22/17/Add.
- 32 همان، پاراگراف ۲۵.
- 33 همچنین نگاه کنید به بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۳۲ اعلامیه عربی حقوق بشر، بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر. برای یک نگاه تطبیقی همچنین نگاه کنید به: توصیه‌نامه شماره ۱۸۰۵ (۲۰۰۷) شورای اروپا، کفرگویی، توهین مذهبی و کلام نفرت‌پراکنانه علیه افراد به علت دینشان، ۲۹ ژوئن ۲۰۰۷، کمیسیون اروپایی برای دموکراسی از طریق قانون (کمیسیون ونیز)، گزارش در مورد ارتباط بین آزادی بیان و آزادی دین: مسئله قانون‌گذاری و تعقیب کفرگویی، توهین دینی و تحریک به نفرت دینی، ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸، دادگاه اروپایی حقوق بشر، کلین علیه اسلواکیا، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۶، App. No. 01/72208، هندی‌ساید علیه بریتانیا، ۷ دسامبر ۱۹۷۶، سری شماره ۲۴، EHR 737. 1
- 34 به عنوان مثال، چندین کشور عضو اتحادیه اروپا از جمله دانمارک، انگلستان، ایسلند، نروژ و مالت، همگی ممنوعیت کفرگویی را لغو کرده‌اند.
- 35 نگاه کنید به دیوان عالی کره، حکم مورخ ۲۹ اوت ۱۹۹۷، 19755da97، و یا دادگاه عالی بمبئی، ر. و باسین علیه ایالت ماهاراشترا و اداره پلیس مارین درایو، ۶ ژانویه ۲۰۱۰، CR P C Sections 95 and 92 Criminal Application No 1421 of 2007
- 36 سازمان آرتیکل ۱۹، «اصول کمند در زمینه آزادی بیان و برابری»، آوریل ۲۰۰۹، پاراگراف ۱۲.۳.
- 37 همان، پاراگراف ۴۸ و ۴۹.
- 38 کمیسیون ونیز، اکتبر ۲۰۰۸، پاراگراف ۶۴، ۶۸ و ۸۹.
- 39 همان.
- 40 کمیسیون ونیز، اکتبر ۲۰۰۸، پاراگراف ۶۴
- 41 بر اساس ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی «هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.»
- 42 تفسیر عمومی شماره ۲۴، پاراگراف‌های ۴۸ و ۴۹.
- 43 نگاه کنید به دادگاه اروپایی حقوق بشر، اوتگی موندراگون علیه اسپانیا، شماره ۰۷/۲۰۳۴۷، ۱۵ مارس ۲۰۱۱، پاراگراف ۵۹.
- 44 دادگاه اروپایی حقوق بشر، ماتاسارو علیه جمهوری مالدووا، پرونده شماره ۱۶/۶۹۷۱۴ و ۱۶/۷۱۶۸۵، ۱۵ ژانویه ۲۰۱۹، پاراگراف ۳۵.
- 45 نگاه کنید به سازمان آرتیکل ۱۹، «ایران: حکم اعدام علیه سینا دهقان حتی قانون مجازات کشور را نقض می‌کند»، ۹ فروردین ۱۳۹۶.
- 46 سازمان آرتیکل ۱۹، «ایران: افول وضعیت از ادبی بیان نیازمند حمایت کشورها از بررسی مشکلات فاش شده توسط سازمان ملل است»، ۱۵ اسفند ۱۳۹۷.
- 47 سازمان آرتیکل ۱۹، «ایران: قانون جرایم رایانه‌ای»، ۲۰۱۲.
- 48 سازمان آرتیکل ۱۹، «ایران: لایحه صیانت و حفاظت از داده‌های شخصی»، ۶ تیر ۱۳۹۸.
- 49 ایسنا، متن طرح ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، ۲۸ آبان ۱۳۹۷.
- 50 طرح میارزه یا تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی توسط ۵۲ نماینده مجلس در آذر ۱۳۹۷ تهیه شده و کماکان به صورت پیش‌نویس باقی مانده است. تجزیه و تحلیل این طرح خارج از محدوده متن حاضر است. با این حال لازم به ذکر است که هر چند این طرح شامل شماری از مفاد است که می‌تواند برای محافظت بهتر از افراد و گروه‌های دارای ویژگی‌های تحت حمایت به کار بسته شوند، اما همچنان بسیار ناکارآمد است، زیرا ماده ۲ آن عملاً رفتار تبعیض‌آمیز بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، قومیت، مذهب و ملیت را در صورت مجاز بودن طبق قانون یا اصول اسلامی روا می‌دارد. سازمان آرتیکل ۱۹ اطلاع دارد که این طرح همچنان مسکوت مانده و برخی نمایندگان مجلس با ابراز تردید نسبت به تصویب این قانون اظهار داشته‌اند که چنین طرحی منجر به «تشدید تفرقه» می‌شود.
- 51 مقامات ایرانی در پاسخ خود اظهار می‌کنند «اقلیت‌های مذهبی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از کلیه آزادی‌ها و حقوق مدنی برخوردارند. منشور حقوق مدنی در مواد ۱۰، ۳۳، ۷۷، ۹۷ و ۱۱۰، احترام به حقوق انتمیکی و مذهبی و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند در حالی که هرگونه نفرت‌پراکنی به‌ویژه علیه کودکان، تبعیض در استخدام، تبعیض در حق اقلیت‌ها، گروه‌های انتمیکی و همچنین گروه‌های سیاسی و اجتماعی را در رابطه با دسترسی به اطلاعات و دستیابی به دانش ممنوع می‌سازد و همچنین بر برخوردی از حق روابط میان‌فرهنگی تأکید می‌کند. افزون بر این، اعضای مجلس ایران در تاریخ ۱۹ مه ۲۰۲۰ قانونی را به منظور جرم‌انگاری توهین به مذاهب و گروه‌های انتمیکی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی، تصویب کردند.»
- 52 شش‌رنگ (شبکه لژیون‌ها و ترنس‌جندرهای ایرانی)، «نقض حقوق همجنس‌گرایان افتخار ماست»، نفرت‌پراکنی دولتی علیه اقلیت‌های جنسی در ایران، آذر ۱۳۹۶.
- 53 در سال ۲۰۱۱ جامعه جهانی بهایی بیش از ۴۰۰ مقاله و برنامه در رسانه‌های را که حاوی محتوای نفرت‌پراکنانه علیه بهاییان بود مستند و تحلیل کرد. گزارش منتشره با نام «برانگیختن نفرت کمپین رسانه‌های ایران برای پلید جلوه دادن بهاییان» نشان می‌دهد که رسانه‌های رسمی یا نیمه‌رسمی چگونه به شکل نظام‌مند تصویری اهریمنی و پلید از بهاییان به تصویر می‌کشند و اتهامات واهی متوجه این جامعه می‌کند. مراجعه کنید به «جامعه جهانی بهایی، برانگیختن نفرت کمپین رسانه‌های ایران برای پلید جلوه دادن بهاییان»، مهر ۱۳۹۰.
- 54 اصول کمند، اصل ۱۲.
- 55 برنامه اقدام رباط. همچنین مراجعه کنید به سازمان آرتیکل ۱۹، «بیان نفرت‌پراکنانه»، ۲۰۱۵.
- 56 ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی «هر نحو فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمانهای مخالف نظام» را جرم‌انگاری می‌کند.
- 57 این ماده همچنین «هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرایمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگر زنی، فرد مرتکب این اقدامات گردد» را ممنوع می‌سازد. این اصلحیه شامل اعمال و رفتارهای خنثی‌پهره‌کشی و سوء استفاده جنسی و جسمی می‌شود که همسان جرائم به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی هستند. با این حال، ماده مذکور در نقض اصل مشروعیت، قادر نیست تعریف دقیقی از اصطلاحات خود ارائه دهد و عناصر جرم را به نحو متناسب تثبیت نماید. به‌طور مثال، این ماده هیچ توضیحی درباره این که چه امری دقیقاً به معنای «شیوه‌های کنترل ذهن» یا «تسلط روانی» است، و در نتیجه دست مقامات را برای ارائه چنین تعاریفی باز می‌گذارد.
- 58 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تفسیر عمومی شماره ۲۲، پاراگراف ۹.
- 59 هر چند قانون اساسی ایران، یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان را به عنوان اقلیت‌های مذهبی به رسمیت می‌شناسد، افراد متعلق به این گروه‌های اقلیت همچنان در قانون و در عمل با تبعیض روبه‌رو هستند. طبق قوانین ایران، افراد غیرمسلمان نمی‌توانند برخی مناصب دولتی و سیاسی نظیر ریاست جمهوری و قضاوت را اتخاذ کنند. صلاحیت عضویت در مجلس نیز شامل «باور به اسلام» می‌شود و گروه‌های اقلیت مذهبی تنها تعداد محدودی از جایگاه‌های مجلس را در اختیار دارند. علاوه بر این، قانون مجازات اسلامی در زمینه برخی جرائم خاص، مجازات‌های سنگین‌تری را برای غیرمسلمانان در نظر گرفته است و قانون مدنی کشور نیز اعضای مسلمان خانواده را در زمینه قوانین مربوط به ارث به اعضای غیرمسلمان برتری داده است.

- 60 نگاه کنید به فریدون وهمن، ۱۷۵ سال سرکوب: تاریخ بهائیان ایران (نشر و انورلد، ۲۰۱۹) بخش اول، همچنین، جامعه جهانی بهایی، «بازید مساله بهائیان در ایران: سرکوب و مقاومت در ایران»، اکتبر ۲۰۱۶، همچنین، عدالت برای ایران، «چهره جنایت: ناقضان حقوق بهائیان»، ۲۰ اسفند، ۱۳۹۱ همچنین، عفو بین‌الملل، «خفقان، اخراج، زندان، سرکوب دانشجویان و دانشگاهیان در ایران»، ۱۳ خرداد ۱۳۹۳.
- 61 در مصاحبه‌ای در سال ۱۹۷۹ از روح الله خمینی، رهبر سابق جمهوری اسلامی، سؤال شد که آیا جمهوری اسلامی آزادی‌های سیاسی و مذهبی بهائیان را به رسمیت می‌شناسد؟ وی در پاسخ اظهار داشت که آن‌ها بهائیان یک جناح سیاسی و مضر هستند و پذیرفته نخواهند شد. جملات مشابهی توسط دادستان کل جمهوری اسلامی بیان شده که می‌گوید: قرآن تنها اهل کتاب را به عنوان جوامع مذهبی بازمی‌شناسد، گروه‌های دیگر کافر هستند و بئبرستان بایست نابود گردند. هر دو به نقل از: نازیلا قانع، حقوق بشر، سازمان ملل و بهائیان ایران (نشر مارتینوس نایف، ۲۰۰۲) صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲.
- 62 نگاه کنید به کمپین حقوق بشر ایران، «محکومیت ذبیح الله رنوفی شهر وند بهایی ساکن سنندج به یک سال زندان و تبعید»، ۴ مرداد ۱۳۹۷، همان.
- 63 مقامات ایران در پاسخ مربوط به دی ماه ۱۳۹۹ به گزارشگران ویژه سازمان ملل در ارتباط با پرونده‌های ۲۴ تن از گرویدگان به مسیحیت اظهار کرده‌اند «افراد مورد ارجاع در گزارش گزارشگران ویژه، در واقع تحت پوشش تبلیغ مسیحیت در حال ارتباط گرفتن با صهیونیسم اوانجلیک و با هدف معاندت و مقابله با نهاد اسلامی و نیز اعمال براندازنده علیه آن از طریق فرقه‌های سازماندهی شده و برقراری ملاقات‌های پنهانی و غیرقانونی به‌منظور فریفتن شهروندان و سواستفاده از گمراه‌شدگان، به‌ویژه کودکان، بوده‌اند.» نگاه کنید به برای اطلاعات بیشتر درباره نقض حقوق بشر علیه اقلیت مسیحی در ایران نگاه کنید به: مرکز حقوق بشر در ایران، «زندگی در زیر سایه سرکوب: وضعیت نوکیشان مسیحی در ایران»، ۱۴۰۰.
- 64 نگاه کنید به مرکز اسناد حقوق بشر ایران، «زندگی تحت سرکوب: وضعیت درویش گنابادی در ایران»، ۱۷ اسفند ۱۳۹۹.
- 65 به عنوان مثال محمدعلی طاهری، بنیان‌گذار عرفان حلقه، به اتهام «افساد فی الارض» به اعدام محکوم شد. نگاه کنید به عفو بین‌الملل، «اقدام فوری: محمد علی طاهری، بار دیگر در خطر حکم اعدام»، ۱۴ تیر ۱۳۹۶.